

هویت جنسیتی و هویت خانواده در دویتهای کرانه‌نشینان خلیج فارس (استان‌های خوزستان، هرمزگان و بوشهر)

دکتر امید علی احمدی

شهرزاد دوستی

مقدمه

فرهنگ حیات معنوی انسان و در برگیرنده گرامی‌ترین حصه وجود آدمی است و علاوه بر اینکه به افراد هویت می‌بخشد و وابستگی قومی و مذهبی آنها را مشخص می‌سازد، شیوه معیشت و زیست انسان‌ها و چگونگی رفتار و کردار و پندار آنها را نیز منعکس می‌نماید، در این معنا و مفهوم باید فرهنگ را درون‌مایه تمدن دانست و در هر جامعه‌ای انسان‌ها، رفتار اجتماعی را از عناصر و اجزای فرهنگ خود دریافت می‌دارند و همسو و هماهنگ با آنها به برقراری روابط متقابل اجتماعی خود و واقعیات اساسی و مکرر زندگی اجتماعی و همچنین با دیگر هم‌نوعان مبادرت می‌نمایند.

پر واضح است تنوع ویژگی‌ها و خصایص اقلیمی، قومی، مذهبی، سابقه تاریخی، درجه تحول و تکامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع به تنوع فرهنگ‌ها و در نتیجه به تفاوت الگوهای عینی و مذهبی مردم آن منتهی می‌گردد. بدین ترتیب هویت و ویژگی‌های فردی، علایق



و ارزش‌ها و هنجارهای افراد یک جامعه متفاوت از هویت و ویژگی‌های سایر افراد دیگر جوامع شکل می‌گیرد. و با شناخت و آگاهی بیشتر از عناصر و اجزای فرهنگ‌ها درک مطلوب‌تری از شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فرهنگی و بالتبع از شکل‌گیری هویت فردی و خانوادگی خواهیم داشت.

الگوهای فرهنگی از پایین‌ترین سطوح تا بالاترین سطوح جهانی قابل مشاهده‌اند و به علت وجود همین ویژگی است که آنها روش ساده و مناسبی برای طبقه‌بندی رفتارهای اجتماعی از خاص‌ترین تا عام‌ترین اشکال آن را فراهم می‌سازند. الگو بدان معنی است که کلیت رفتار، معرفت و باورهای مشترک مردمی که فرهنگی مشترک دارند، از انسجامی درونی برخوردار است. پس الگوهای فرهنگی به رفتار انسان ثبات، معنی و جهت می‌بخشند و در ضمن هر ملت و گروهی را از سایر ملل و قبایل و گروه‌ها متمایز می‌سازند.

روث بندیک می‌گوید: «فرهنگ‌ها در نهایت دارای اهدافی متفاوت‌اند که به رفتار اعضا در آن جهت داده و آن را تقویت می‌گرداند و نهادهایشان نیز در همان جهت پرداخته می‌شوند.» (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹-۱۸۲)

ما ایرانیان دارای هنجارهایی خاص و قواعد رفتاری خاص جهت ارتباط با یکدیگر و ارتباط با افراد مختلف خانواده هستیم که نمایانگر الگوهای ملی ما ایرانیان در میان الگوی جهانی خانواده است. با اینکه ما مثل هر ملتی دارای خانواده هستیم اما هنجارهایی که ما را در خانواده به همدیگر مرتبط می‌سازد و ما خود را مقید به رعایت آنها می‌دانیم و در عمل از آنها پیروی می‌کنیم. با هنجارهایی که سایر ملل در همین زمینه مراعات می‌کنند متفاوت است. پس نظام خانوادگی ما که با الگوهای سایر ملل متفاوت است نشانگر این حقیقت است که دقیقاً با تمام خصوصیاتش ما را به عنوان یک ملت در جهان مشخص و متمایز می‌سازد.

از آنجا که فرهنگ مردم گنجینه رازها و رمزهای کهن نیاکان یک ملت است شایسته است مورد بررسی قرار گیرد. فرهنگ مردم (folklore) هر انسان و جامعه‌ای، شخصیت و هویت اصلی آنهاست که با آن مأنوس شده، رشد یافته و بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند و جدایی از آن فرهنگ و عادت قانونمند، گم کردن اصالت خود شخصیت و هویت اصلی آن فرد و جامعه خواهد بود. و



ادبیات شفاهی بخشی از فولکلور است که نشانگر تاریخ و فرهنگ آن جامعه است که شامل ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، تمثیل‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها، ترانه‌ها، دوبیتی‌ها و... است که خاص آن ملت است و در این میان «دوبیتی‌ها» جان کلام و سروصدق مردمان دوره به دوره است که متناسب با فرهنگ، قوم، زبان و شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در قالب ارزش‌ها، هنجارها، مقررات اجتماعی و دیگر مبانی و مفاهیم متنوع توسط سرایندگان بنام و یا گمنام با ذوق و احساس و پاکدل و شوریده سروده شده است. سوز و گداز عاشقانه‌ای که در این دوبیتی‌ها موج می‌زند الهام بخش عشق و محبت صادقانه است دوبیتی‌های بومی غالباً با الفاظی موزون و کلمات و عباراتی ساده که یک دنیا معنی در آن‌ها نهفته است نمایشگر عشق، هجران، غم، آرزو و هزاران تمنای درونی انسان‌های بی‌تکلف است و با مطالعه آنها می‌توان به زندگینامه مردمان پی برد. در این مقاله به منظور دستیابی به اشتراکات فرهنگی کرانه‌نشینان خلیج فارس در زمینه هویت جنسیتی و هویت خانوادگی به مطالعه دوبیتی‌های استان‌های خوزستان، هرمزگان و بوشهر پرداخته‌ایم.

اهداف

هدف اصلی: تعیین اشتراکات فرهنگی کرانه‌نشینان خلیج فارس در زمینه هویت جنسیتی و هویت خانواده

اهداف فرعی

۱. آگاهی از هویت جنسیت در دوبیتی‌های استان‌های مورد بررسی
۲. آگاهی از هویت خانواده در دوبیتی‌های استان‌های مورد بررسی
۳. آگاهی از مشترکات فرهنگی در دوبیتی‌های استان‌های مورد بررسی

سؤال‌های اصلی

۱. هویت جنسیتی چگونه در دوبیتی‌های کرانه‌نشینان خلیج فارس منعکس شده است؟
۲. هویت خانواده چگونه در دوبیتی‌های کرانه‌نشینان خلیج فارس منعکس شده است؟



۳. مشترکات فرهنگی دویتهای مورد بررسی کدامند؟

سؤالهای فرعی

۱. آیا هویت جنسیتی (متأثر از تربیت خانوادگی، آموختههای فرهنگی و یاورهای اجتماعی متفاوت) متفاوت است؟
۲. آیا نقش زنان منطبق با نقش بیولوژیکی آنهاست؟
۳. آیا نقش مردان منطبق با نقش بیولوژیکی آنهاست؟
۴. آیا اعضای خانواده از طریق تبار خونی، زناشویی، فرزندپذیری به یکدیگر منسوب می‌شوند؟
۵. آیا همسرگزینی در اختیار خانواده است؟
۶. آیا وظایف خانواده متفاوت است؟
۷. آیا کارکرد خانواده (تنظیم رفتار جنسی و زادو ولد) تفاوتی ندارد؟
۸. آیا معیار انتخاب همسر تبار و مایملک طرف مقابل است؟

روش تحقیق

روش و تکنیک تحقیق

در پژوهشی که مقاله حاضر ماحصل آن است از سه روش کتابخانه‌ای، اسنادی (Documented) و تحلیل محتوای (Content analysis) استفاده شده است.

– از روش کتابخانه‌ای، به منظور مطالعه کتب مربوط به دویتهای بومی سراسر ایران استفاده شده است.

– از روش اسنادی به منظور مطالعه اسناد گنجینه واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما (که توسط فرهنگیان این واحد در دهه‌های چهل، پنجاه و شصت از ۳۰ استان کشور جمع‌آوری شده است) استفاده شده است.

اطلاعات مورد نیاز پژوهش با تکنیک «فیش‌برداری» از کتب و اسناد (با موضوع دویتهای بومی) جمع‌آوری شده است.



- از روش «تحلیل محتوا» به منظور توصیف عینی، کمی و منظم محتوای آشکار دویتهای استفاده شده است.

- واحد ثبت و شمارش: واحد ثبت و شمارش یکسان بوده است و هر یک از مقولات و زیر مقوله‌های تحقیق «شمارش» و ثبت شده‌اند.

- واحد تحلیل هر دو بیتی به عنوان واحد تجزیه و تحلیل در نظر گرفته شده است.

- مقوله‌ها و متغیرها و تعریف نظری و عملی و پرسشنامه معکوس:

در بررسی‌های متعارف اجتماعی مانند روش زمینه‌یابی (Survey) تکنیک مورد استفاده گردآوری اطلاعات، پرسشنامه (Questionnaire) است. بر این اساس آنچه که توسط پژوهشگر تحلیل می‌شود، پاسخ‌هایی است که به پرسش‌های پرسشنامه داده شده است. اما در روش تحلیل محتوا درست برعکس عمل می‌شود. به همین دلیل ابزار مورد استفاده در روش تحلیل که شامل مقوله‌ها و زیر مقوله‌های مربوط به آن است، پرسشنامه معکوس (Inverse Questionnaire) خوانده می‌شود. از آن رو این پرسشنامه را معکوس می‌خوانند که در تحلیل محتوا برخلاف پژوهش‌های دیگر، کل داده‌ها آماده است و صرفاً باید تحلیل شود. (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۹).

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری در این پژوهش ۴۸۹ دو بیتی با موضوع هویت جنسیت و هویت خانواده بوده است که از گزارش‌های فرهنگیاران بخش گنجینه واحد فرهنگ و مردم مرکز تحقیقات صداوسیما و از سایر منابع کتابخانه‌ای استخراج شده است. در این مقاله حجم نمونه برابر جامعه آماری است. قلمرو جغرافیایی ۳ استان بوشهر، خوزستان و هرمزگان بوده است.

مقوله‌های پژوهش

مقوله‌های تحقیق بالغ بر ۴۰ مورد بوده‌اند که در این مقاله به ارائه مقولاتی که مستقیماً به «هویت جنسیت» و «هویت خانواده» مرتبط بوده‌اند، اکتفا شده است.



۱. محتوای دوبیتی

۲. انواع خویشاوندی

۳. نقش گوینده (گونه‌های خویشاوندی)

۴. نقش مخاطب (گونه‌های خویشاوندی)

۵. شیوه همسرگزینی

۶. معیار انتخاب همسر

تعریف مفاهیم و مقوله‌های تحقیق

دوبیتی: همان رباعی است که غالباً بر وزن مفاعیلی مفاعیلی مفاعیل سروده می‌شود. برای بیان احساسات بی‌شائبه، عشق‌های ساده و بی‌ریا با کلمات شکسته و محاوره‌ای.

هویت: مجموعه‌ای است از ذهنیت‌ها، تجربه‌ها و سلیقه‌هایی که ما را شکل می‌دهند.

هویت تصویری است که ما از خودمان و روابطمان با جهان بیرون داریم. اگر چه تصور از خود با تصور دیگران از ما کاملاً تفاوت دارد اما اینکه ما چه تصویری از خودمان داشته باشیم به تصور ما از جنسیت خودمان بستگی دارد.

هویت جنسیتی: معمولاً بر مبنای اعتقاد شخصی به زن بودن یا مرد بودن خودش متکی است هرچند ممکن است با جنس زیست شناختی او تناسب نداشته باشد. نقش جنسی اجتماعی در درجه اول، نقش جنسیتی شخصی است و به ویژگی‌هایی که از لحاظ اجتماعی زنانگی و مردانگی نسبت داده می‌شود باز می‌گردد.

گروه اجتماعی: به دو یا تعداد بیشتری از افراد می‌گویند که یکدیگر را می‌شناسند و در کفش متقابل با یکدیگرند. کولی گروه‌ها را دو قسمت می‌کند، گروه نخستین و گروه دومی و در این میان خانواده، گروه نخستین است. زیرا اولین گروهی است که هر فردی آن را تجربه می‌کند و در جامعه‌پذیری انسان‌ها نقش اساسی بازی می‌کند. اعضای گروه نخستین (خانواده) دارای ارتباطات شخصی و پایداری هستند و درگیر اعمال اجتماعی مشترکی هستند و این احساس را دارند که یکدیگر را خوب می‌شناسند.



خانواده: کوچکترین نهاد اجتماعی است که از یک زن، یک مرد و فرزندان تشکیل شده است و در گسترده‌ترین معنا اشاره بر اقوام و خویشاوندان دارد که باهم زندگی می‌کنند. ارتباط افراد خانواده یا از طریق ازدواج است و یا خونی است. خانواده نقش بازتولید و جامعه پذیری اعضای جامعه را به عهده دارد. شکل هر کارکرد خانواده برای حفظ و نگهداری جامعه بزرگ‌تر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت است.

گروه قومی: گروهی که اعضای آن دارای سنت فرهنگی مشترک باشند و بتوانند از طریق این سنت‌های فرهنگی، هویت خود را در جامعه‌ای بزرگتر شناسایی کنند.

نهاد اجتماعی: قلمروهای اصلی زندگی اجتماعی، یا خرده سیستم‌هایی هستند که برای برآورده کردن نیازهای اولیه انسان به وجود آمده‌اند، مثل خانواده.

ازدواج: خانواده از طریق ازدواج شکل می‌گیرد. ازدواج برقراری ارتباط رسمی و قانونی میان زن و مرد است. این ارتباط شامل همکاری‌های اقتصادی، برقراری ارتباط جنسی براساس هنجارهای تابیده شده است.

فرهنگ: کلوک هون فرهنگ را طرح یا نقشه زندگی تعریف می‌کند.

و بکر آن را درک مشترک مردم برای هماهنگ کردن کارهای جمعی تعریف می‌کند.

فرهنگ از طریق یادگیری بدست آید. پس آموختن فرهنگ یعنی آموختن راه زندگی. فرهنگ راهنمای اعمال انسان است و معرف جهان‌بینی است و به عبارتی شیوه مورد قبول اعضای یک جامعه است. فرهنگ ملاطی است که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. و ظرفی است که همه تولیدات مادی و غیر مادی ما را در خود جای می‌دهد همه فرهنگ‌ها دارای عنصر هستند:

(۱) باورها؛

(۲) ارزش‌ها؛

(۳) هنجارها؛

(۴) اصول اخلاقی؛

(۵) نمادها؛



(۶) زبان؛

(۷) تکنولوژی. (عضدانلو، ۱۳۸۴، ص ۵۱۵-۸)

روش پردازش و استخراج و دسته‌بندی اطلاعات

روش مورد استفاده در این پژوهش برای پردازش و استخراج داده‌ها به وسیله رایانه مجهز به نرم‌افزار spss (statistical package for social science) windows xp صورت گرفته است. شیوه کار بدین صورت بوده است که پس از مطالعه منابع و اسناد (با موضوع دو بیتی‌ها) و تکمیل و ثبت که مربوط به هر مقوله موجود در «دو بیتی» در برگه‌های رمزگذاری، اطلاعات ثبت شده روی هر برگه رمزگذاری وارد رایانه گردیده و طبق دستورالعمل پردازش داده‌ها مورد پردازش قرار گرفت و نسبت به تهیه جدول‌های فراوانی و درصد اقدام لازم صورت گرفت.

تکنیک تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و تسهیل در مقایسه داده‌ها از جدول‌های یک بعدی و دو بعدی که وضعیت هر مقوله و زیرمقوله‌های آن را در «دو بیتی‌های مورد بررسی» نشان می‌دهد استفاده شده است. برای شناخت روابط میان مقوله‌های تحقیق در آزمون آماری خی دو (χ^2) که متناسب با سطح متغیرهای تحقیق بوده است، استفاده شده است.

نظریه‌های هویت جنسی

باربارامک مانوس (۱۹۹۹) نظریه‌های مربوط به شکل‌گیری هویت جنسیتی را چنین تقسیم‌بندی کرده است:

۱. نظریه‌های زیستی: در این نظریه‌ها برژن‌ها و هورمون‌ها تأکید می‌شود.
۲. نظریه‌های روان‌پویایی: این گونه نظریه‌ها خود به دو دسته (۱) روان‌کاوانه، و (۲) شناختی - تکاملی تقسیم می‌شوند.



۳. نظریه‌های بیرونی: در این گونه نظریه‌ها به طور کمی، تأکید بر تأثیر فرهنگ در فرد است. این نظریه‌ها عبارتند از:

الف - نظریه اجتماعی شدن یا یادگیری اجتماعی؛

در این نظریه بر اختلاف میان «محیط‌های یادگیری»، به ویژه برای کودکان، تأکید می‌شود. این محیط‌ها افراد را از دو طریق اجتماعی می‌کنند:

۱. از راه عرضه الگوها و نمونه‌هایی که برای افراد فراهم می‌آورند تا از آنها تقلید کنند؛

۲. از طریق پاداش‌هایی که در برابر رفتار متناسب جنسیتی به افراد عرضه می‌کنند یا انتقادهای و مجازات‌هایی که در برابر رفتار جنسیتی نامناسب اعمال می‌کنند.

ب - نظریه طرح جنسیتی

این نظریه تلفیقی است از دو نظریه شناختی - تکاملی و نظریه یادگیری اجتماعی، طرح‌ها، شبکه‌هایی شناختی و درونی‌اند که به صورت اجتماعی تشکیل می‌شوند و سازمان‌دهنده و هدایت‌گر برداشت‌های شخصی‌اند؛ طرح‌های جنسیتی نیز شبکه‌هایی شناختی‌اند که با مفاهیم زنانگی و مردانگی ارتباط دارند. افرادی که طرح جنسیتی در آنها نیرومند است، به این گرایش دارند که بسیاری از تصورات و ارزش‌یابی‌هایشان را براساس کلیشه‌ها و مطالعه جنسیتی سازماندهی کنند. ویرجینیا سایپر می‌گوید:

کودکان بیش از رسیدن به سن سه سالگی آموختن مفاهیم شکلی و تمثیلی جنسیت را آغاز می‌کنند و چارچوب زیربنایی را فرا می‌گیرند که براساس آن می‌توانند ماهیت مردانگی و زنانگی را درک کنند.

ت - نظریه‌های شکل‌گیری هویت

در این نظریه‌ها بر تعهد شخصی و آگاهانه فرد به تصور خاصی از خودش تأکید می‌شود.

ث - نظریه عینک فرهنگی:

ساندرا بَم با در هم ریختن مرزهای مقولات مؤنث و مذکر مفهوم دو جنسیتی (androgyny) را ابداع کرد که هم ویژگی‌های شخصیتی نیرومند زنانه را نشان می‌داد و هم ویژگی‌های شخصیتی نیرومند مردانه را، آنکه این ویژگی‌ها را از هم جدا کند.



ویژگی‌های ضعیف هردو را هم نشان داد. بـم بررسی عمیق‌تری را درباره نقش‌های جنسیتی، برچسب‌های جنسیتی و تأثیر آنها در فرهنگ و جامعه آغاز کرد.

بـم ۶۰ ویژگی را فهرست کرده است که عبارتند از: ۲۰ ویژگی زنانه که از لحاظ اجتماعی پسندیده است. ۲۰ ویژگی مردانه پسندیده و ۲۰ ویژگی خشتی و نمونه ویژگی مطلوب مردانه عبارتند از: زورمندی، تحلیل‌گری، اتکا به خود و برخی ویژگی مطلوب زنانه عبارت است از: هم‌دلی، وفاداری و غم‌خواری و برخی نمونه‌های ویژگی‌های خشتی عبارت‌اند از: صداقت، صمیمیت و دوستی به شرکت‌کنندگان در بررسی گفته می‌شد که هر مقوله را با مقیاس ۱ تا ۷ درجه‌بندی کنند. گاه می‌شد که فردی هم از لحاظ خصوصیات زنانه و هم از لحاظ ویژگی‌های مردانه بالاترین نمره را بدست آورد و این پدیده‌ای بود که بـم آن را دو جنسیتی می‌نامید. بـم معتقد بود کارآترین افراد جامعه، افراد دو جنسیتی‌اند. بـم معتقد بود که مردانگی و زنانگی را می‌شود هم روی یک پیوستار مشاهده کرد و هم بر روی دو پیوستار مستقل. بـم با تدوین نظریه عینک فرهنگی بر این نکته تأکید کرد که فرض‌های پنهان مربوط به جنسیت با تار و پود فرهنگ درآمیزد. (توکلی، ۱۳۸۲، ص ۳۵-۳۴)

نظریات متقدمین پیرامون خانواده

از نظر ویلیام گود خانواده به وسیله نهادی خارجی توجیه و تبیین می‌شود.

از نظر فردریک لوپله، محافظه‌کار اجتماعی و پرودن سوسیالیست، خانواده «واحد اساسی جامعه و عنصر بنیادی اجتماع است» که به وسیله آن نیروهای نظم اجتماع سوسیالیسم می‌توانند در جامعه طرح‌ریزی شوند. از نظر لوپله نظم اجتماعی جز با احترام به قوانین احکام دهگانه برقرار نخواهد شد. یعنی استقرار قدرت پدر خانواده روی زن و فرزندان در خانه.

از نظر پرودن «پیمان زناشویی معرف اولین مرحله قلمرو قضایی اجتماع است». اتحاد روح و جسم زن و مرد ارگانیک را تشکیل می‌دهد که اجزاء آن مکمل یکدیگرند... این ارگانیک هدفش بوجود آوردن عدالت... است یعنی بوجود آوردن تمدن و مظاهر آن....»



این دو محقق توجه نکرده‌اند که خانواده پدیده‌ای است تاریخی که برحسب دوره‌ها و نواحی مختلف متغیر است. (آندره میشل، ۱۳۵۴، صص ۳۴-۳۳)

هانری لوئیز مورگان (H.L.Morgan)

شناخت بینش مورگان که اثر اجتماع را بر شکل و ساخت خانواده نشان می‌دهد مستلزم توجه به اصول حاکم بر این اندیشه است.

۱. پذیرش رهیافت نهادی (Institutional [d] approach)

او در زمره کسانی است که خانواده را جزیی از نظام کلی جامعه و در رابطه تنگاتنگ با آن می‌داند و ضمن مقایسه این نهاد در ملل مختلف، تطور آن را در تاریخ می‌جوید، دیدگاهی که مقابل دیدگاه‌هایی نظیر کنش متقابل، ساخت و وظیفه، وضعیتی و... جای می‌گیرد.

۲. تکامل‌گرایی (Evolutionism): وی برخلاف نظریه‌پردازان انحطاط حرکت خانواده و جامعه در طول زمان را دارای نظم مشخص، مستمر و به سوی ارتقاء و تعالی می‌داند دیدگاهی که ضرورتاً بعد ارزشی دارد.

۳. در زمانی بودن (Diachronic): مبنی بر اینکه به‌طور همزمان نمی‌توان انواع گوناگون خانواده را شاهد بود، گونه‌ای خانوادگی تکوین می‌یابد، دوران خود را می‌گذراند و سپس جاری می‌شود. مورگان حرکت جامعه و خانواده را بیشتر تاریخی و ارتقایی می‌یابد و این دیدگاه ضرورتاً ارزش است. (ساروخانی، ۱۳۷۹، صص ۱۴۷-۱۴۶)

پس از قسم نخست مورگان مراحل خاص تطور خانواده در تاریخ را چنین برمی‌شمرد.

۱. اختلاط آزاد. مرحله‌ای خاص در تکوین خانواده که در آن روابط بین دو جنس تابع هیچ قاعده یا اصلی نیست. هنوز مفهوم مشروعیت، تولد نیافته است و بدان هرج و مرج جنسی نیز اطلاق می‌شود. در این مرحله بعد فرهنگی زوجیت بسیار ناچیز و گاه صفر است و همه چیز در گردونه سوانح طبیعی و اطفای آن جای دارد.

۲. خانواده همخون: در واقع اولین شکل خانواده به حساب می‌آید و با پدیده‌ای همراه است که منع زنای با محارم خوانده می‌شود. پیدا شدن محارم یعنی آنان که دور از دایره همسرگزینی قرار



می گیرند و ازدواج با آنان حرام تلقی می شود و نخستین گام در راه اجتماعی شدن زناشویی به حساب می آید. در خانواده همخون محارم عمودی است. بدین معنی که ازدواج بین والدین و فرزندان ممنوع شناخته می شود.

۳. خانواده پونالوئن: خانواده ای است پیچیده تر و از نظر ارزشی در سطحی بالاتر؛ در آن محارم مضاعف به چشم می خورد. بدین معنی که منع زنا با محارم هم عمودی است (والدین و فرزندان آنان) و هم افقی است (خواهران و برادران)

۴. خانواده سندیا سمیک: خانواده ای است نزدیک به آنچه امروز دیده می شود و در آن اولاً پدیده محارم چند بعدی است، یعنی فقط به والدین و فرزندان و خواهران و برادران اختصاص ندارد، ثانیاً تداوم پیوند زناشویی به چشم می خورد. ثالثاً تک همسر تجلی دارد. هرچند مرد از آزادی های بیشتری هم در رابطه با اخلاق جنسی برخوردار است و هم آنکه در زمینه چند همسری از امکانات بیشتری سود می برد. (ساروخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۸-۱۴۹)

آنچه مورگان بیان داشته پذیرش خانواده به عنوان یک نهاد وابسته به کل نظام اجتماعی و نه متزعزع از آن، رده بندی خانواده و مقایسه آن در جوامع مختلف و سعی در بازیابی خطوط اصلی حاکم بر تطور خانواده و سنجش آن اموری مهم و قرین بودن اندیشه با فلسفه تاریخ، جبریت، پذیرش خطی و ارتقایی، جستجوی قوانین عام در پدیده های اجتماعی و فقدان نسبی مبتنی بر یگانه دیدن جهان و فراموشی تنوع آن و فاصله از جامعه شناسی تفاوتی است.

امیل دورکیم (Emile Durkheim)

از منظر ایشان خانواده گروهی طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد بلکه نهادی است اجتماعی که عامل شکل دهنده آن اجتماعی می باشد «اگر بگوییم احساسات انسانی موجود در وجدان بشر اساس سازمان خانواده است اشتباهی بیش نیست، برعکس سازمان اجتماعی روابط خویشاوندی است که تعیین کننده روابط عاطفی بین والدین و فرزندان آنهاست اگر ساخت اجتماعی غیر از این می بود احساسات و روابط عاطفی مزبور به طریقی دیگر تجلی می کرد. (آندره میشل، ۱۳۵۴، ص ۴۱)



در خصوص اصول حاکم بر اندیشه دورکیم در مورد خانواده نهادی بودن، اندیشه خطی، جبرگرایی و در زمانی بودن جای می‌گیرد که در راه تکوین و تکامل آن مراحل ذیل قابل ذکر است:

۱. مرحله کلانی،

۲. خانواده صلبی، خانواده پدر سری روم قدیم و خانواده هسته‌ای که به رغم دورکیم آخرین شکل خانواده در جهان است و ناشی از فرآیند تطوری مبتنی بر انقباض تدریجی به صور گوناگون: از نظر حجم و ابعاد: (مظاهر کمی) کوچک‌ترین واحد خانوادگی است با فرزندان اندک و از نظر وظایف و کارکردها: (مظاهر کیفی) کمترین وظایف ممکن را داراست و در انجام هر کارکرد با رقبایی چند مواجه است.

از آنجایی که صاحب‌نظران حاضر در بیان برخی اصول اشتراکاتی با مورگان دارد، لذا می‌توان نقد صورت گرفته بر آن را برای دورکیم نیز جاری و ساری دانست مانند نقد به تعمیم‌بخشی قواعد حاکم بر خانواده، جبرگرایی و پذیرش اندیشه خطی، از دید او حرکت خانواده در بستر تاریخ از کلان تا هسته‌ای صورت می‌پذیرد.

روندی اجتناب‌ناپذیر بر همه جهان بدون استثناء کردن جامعه‌ای، حال اینکه بهترین مثال بازگوکننده خلاف این ادعا نوشته‌های مارک بلوخ می‌باشد.

وی در اثر برجسته‌اش، *تاریخ فتودالیه*، نشان می‌دهد خانواده به جای تحول از شکل وسیع، کوچک، دوره‌های انبساط و انقباض را تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پشت سر گذاشته است. او صور خانواده را در بطن جامعه و باتوجه به نیازها و مسائل آن بیان می‌دارد.

بدین قرار، زمانی که جامعه فاقد دولتی قدرتمند است به ناچار سازمان‌های جانشین از جمله خانواده مورد نیاز انسان‌ها خواهند بود و بالعکس، به عبارتی، «قبل از قرن نهم میلادی که دولت‌ها قدرت کافی بر حمایت از افراد و خانواده را داشتند خانواده کوچک (هسته‌ای) وجود داشته است، اما در قرن نهم میلادی با بسط جنگ‌های صلیبی و عوامل دیگر با ضعف قدرتهای مرکزی، انسان‌ها در جستجوی حامی و پناهی برآمدند و خانواده را بهترین یافتند... (ساروخانی، ۱۳۷۹،

ص ۱۵۳-۱۵۰)



بنابراین خانواده هسته‌ای برخلاف نظر دورکیم نمی‌تواند مرحله نهایی تطور خانواده باشد و صرفاً به جامعه صنعتی تعلق ندارد. همان‌طور که لزوماً خانواده گسترده، خاص حیات غیر صنعتی نیست. از سوی دیگر اساس صنعت جدید به برتری ارزش‌های دنیوی نهاده شده و هرکس مستقل از وضع اجتماعی یا نژادی می‌تواند به منصبی ارتقاء یابد، معمولاً فرد، عضو خانواده و هم یکی از اعضای بنگاه اقتصادی جدید به شمار می‌آید که مبارزه میان دو دسته از ارزش‌های مخالف را موجود می‌شود. مبارزه‌ای که در خانواده هسته‌ای به حداقل خود می‌رسد به خاطر جدا بودن از گروه خویشاوندی، محدود شدن روابط عاطفی درون خانواده، نומکانی و قرارگرفتن در یک نظام خویشاوندی دوسویی، که یکسانی احساس بستگی فرزندان نسبت به والدین و بالعکس را موجب می‌گردد. بنابراین خانواده هسته‌ای با ارزش‌های نظام صنعت که بر مبنای تحرک مکانی و اجتماعی اعضاء صلاحیت فردی و... پایه‌ریزی گشته هماهنگ و جوابگوی مقتضیات جامعه جدید و منطبق با آن می‌باشد. از سوی دیگر دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده مزبور متضمن وجود دو اختلاف اساسی است: شرط اول: وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان و دوم: اختلاف ابزاری - نمایشی، وی که به تقسیم نقش‌های خانوادگی برحسب جنسیت شهرت دارد. بر این عقیده است که «پدر نقش ابزاری را بر عهده دارد و حلقه ارتباط بین خانواده و جامعه تلقی می‌گردد. در کنار تأمین نیازهای مادی اعضا و زن تنها نقش بیانگر یا نمایش و محوریت عاطفی در درون نهاد را ایفاگرست». (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۸۸)

در واقع جدایی نقش‌ها و تباین میان موقعیت‌ها نوعی پیش‌فرض کارکردگرایی و ساز و کار نیست جهت حفظ همبستگی نظام خانواده زیرا به تفکیک حوزه تکالیف والدین می‌انجامد. از ایجاد وضعیت رقابت بین آنان و در نتیجه نابسامانی در پیوند خانوادگی را به همراه می‌آورد. بنابراین «همچنان که افلاطون متذکر شده برابری زن و مرد با همبستگی خانوادگی به معنای مثبت مغایرت دارد». (اغرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶-۱۱۹)

پس نظریه پارسونز بر مبنای ویژگی‌هایی همچون روابط ساختی، تفاهم، کنش متقابل میان افراد، استعداد نظام در شکل‌دهی به موجودیت خود، عدم وجود سختی در بدنه نظام و... مورد



انتقاد واقع می‌شود و این چشم‌اندازی است جدید که هویت نظام جامعه را با الگویی که در جامعه‌شناسی پارسنز مشاهده می‌شود در هم می‌شکند.

خانواده را می‌توان نظامی به شمار آورد، انعطاف‌پذیر که در کنار هماهنگی با موقعیت جدید توان پای‌بندی بر وظایف و کارکردهای خویش را داراست که اگر سازماندهی و خود رهبری آن بر شیوه‌های صحیح روابط استوار گردد و مهندسی دقیق و عقلانی روی آن انجام پذیرد از توان ادامه حیات به نحو مطلوبی بهره‌مند خواهند شد. اگر چنین چشم‌اندازی پذیرفته شود قاعدتاً بعضی مفاهیم طرح شده از سوی متفکر حاضر خصوصاً آنچه پیرامون تخصص و تفکیک نقش‌ها بیان داشت دگرگون خواهد شد.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود محتوای ۲۲/۵ درصد از دوبیتی‌های مورد بررسی در استان بوشهر «اظهار عشق و اشتیاق»، ۱۵ درصد «بثّ اشکوی»، ۱۵ درصد «توصیف صفات ظاهری، روانی و عاطفی فرد»، ۱۲/۵ درصد «بیان مسائل اجتماعی» بوده است.

جدول شماره ۲ نشانگر محتوای دوبیتی‌های مورد بررسی در استان خوزستان است همان‌طور که ملاحظه می‌شود محتوای ۱۸/۸ درصد از دوبیتی‌های این استان «اظهار عشق و اشتیاق»، ۱۶/۴ درصد «شرح ایام فراق و هجران»، ۱۳/۳ درصد «توصیف صفات ظاهری، روانی و عاطفی» است.

محتوای ۲۹/۷ درصد از دوبیتی‌های مورد بررسی در استان خوزستان «اظهار عشق و اشتیاق»، ۲/۵ درصد «بثّ اشکوی»، ۱۱ درصد «شرح ایام فراق و هجران» و ۱۰/۵ درصد «حسرت» بوده است.

محتوای سایر دوبیتی‌های مورد بررسی در استانهای کرانه خلیج فارس در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: محتوای دوبیتی های مورد بررسی در استان بوشهر

جمع	۱۰۰
پند و اندرز	۲/۵
رسوایی	۲/۵
حسرت	۵
تمرین	۵
بیان مسائل اجتماعی	۱۲/۵
احساسات نسبت به خانواده	۲/۵
توصیف صفات ظاهری، روانی و عاطفی فرد	۱۵
بثّ الشکوی	۱۵
نکوهش معایب اخلاقی و رفتاری فرد	۷/۵
آرزومندی	۲/۵
شرح ایام فراق و هجران	۷/۵
اظهار عشق و اشتیاق	۲۲/۵
محتوای دوبیتی	درصد

جدول شماره ۲: محتوای دوبیتی های مورد بررسی در استان خوزستان

جمع	۱۰
سایر *	۵/۸
حسرت بشرط اگر	۱/۸
توجه به معشوق	۲/۴
پند و اندرز	۴
نفرین	۳/۶
بیان مسائل اجتماعی	۱/۲
بیان مسائل اخلاقی	۱/۲
احساسات نسبت به خانواده	۴
مناظره	۱/۶
توصیف صفات ظاهری، روانی، عاطفی فرد	۳/۴
بثّ الشکوی	۹/۷
نکوهش معایب اجتماعی	۰/۶
نکوهش معایب اخلاقی و رفتاری	۷/۸
مدح	۴/۸
شرح وصال	۳/۶
آرزومندی	۶/۷
شرح ایام فراق و هجران	۴/۴
اظهار عشق و اشتیاق	۸/۸
محتوای دوبیتی	درصد

* سایر عبارت است از نکوهش معایب اجتماعی، مناظره، تأسف، دعا، شهرت، تنهایی، دیدار معشوق، صهیان بر علیه پیسند جامعه، رضایت طرفین.



جدول شماره ۳: محتوای دوبیتی‌های مورد بررسی در استان هرمزگان

محتوای دوبیتی	۲۹/۷
اظهار عشق و اشتیاق	۱۱
شرح ایام فراق و هجران	۷/۳
آرزومندی	۵/۱
شرح وصال	۳/۳
ملح	۳/۳
تکوهش معایب اخلاقی و رفتاری	۲/۶
تقرین	۱۲/۵
بث الشکوی	۸/۴
توصیف صفات ظاهری، روانی، عاطفی فرد	۱/۱
بیان مسائل اجتماعی	۱/۱
احساسات مربوط به خانواده	۱/۱
حسرت	۱۰/۵
دعا	۱/۵
دیدار معشوق	۱/۵
حسرت به شرط (اگر)	۱/۸
توجه به معشوق	۱/۵
پند و اندرز	۱/۵
نامعلوم	۰/۳
سایر**	۵
جمع	۱۰۰

جدول شماره ۴ «نقش گوینده را در خانواده» در دوبیتی‌های مورد بررسی نشان می‌دهد در دوبیتی‌های مورد بررسی در استان بوشهر «نقش گوینده در خانواده» ۱۰۰ درصد نامعلوم بوده است.

۳/۳/۶ درصد از دوبیتی‌های مورد بررسی استان هرمزگان نقش گوینده در خانواده «نقش ابزاری» و در ۱/۴ درصد نقش «بیابانگر» بوده است. در ۸۵/۳ درصد از دوبیتی‌های مورد بررسی در استان هرمزگان نقش گوینده در خانواده نامعلوم بوده است.

در ۳۰/۳ درصد از دوبیتی‌های مورد بررسی در استان خوزستان نقش گوینده در خانواده، «ابزاری»، در ۱۴/۵ درصد نقش «بیابانگر» و در ۵۵/۲ درصد نامعلوم بوده است. (جدول شماره ۴) «نقش مخاطب در خانواده» در دوبیتی‌های مورد بررسی استان بوشهر ۱۰۰ درصد نامعلوم بوده است. در ۰/۴ درصد از دوبیتی‌های مورد بررسی استان هرمزگان نقش مخاطب در خانواده «نقش ابزاری»، در ۳/۷ درصد «نقش بیانگر» و در ۹۶ درصد «نامعلوم» بوده است. در ۷/۳ درصد

** سایر عبارت است از تهنیت و مبارکباد، مناظره، بیان مسائل اخلاقی، بیان رسوایی، تأسف، ترک معشوق، شهوت، سوگ، عصیان بر علیه پسند جامعه، سوگند، مژده دادن.



از دویتهای مورد بررسی استان خوزستان، نقش مخاطب در خانواده، «نقش ابزاری»، در ۲۷/۳ درصد نقش «بیانگر» و در ۶۵/۵ درصد «نامعلوم» بوده است. (جدول شماره ۵)

جدول شماره ۴: نقش گوینده در خانواده در دویتهای مورد بررسی در استانهای بوشهر،

هرمزگان و خوزستان

استان	نقش گوینده در خانواده	ابزاری	بیانگر	نامعلوم	جمع
بوشهر	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰
هرمزگان	۳/۳	۱۱/۴	۸۵/۳	۱۰۰	۱۰۰
خوزستان	۳۰/۳	۱۴/۵	۵۵/۲	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۵: نقش مخاطب در خانواده در دویتهای مورد بررسی در استانهای بوشهر،

هرمزگان و خوزستان

استان	نقش مخاطب در خانواده	ابزاری	بیانگر	نامعلوم	جمع
بوشهر	۰	۰	۰	۱۰۰	۱۰۰
هرمزگان	۰/۴	۳/۷	۹۶	۱۰۰	۱۰۰
خوزستان	۷/۳	۲۷/۳	۶۵/۵	۱۰۰	۱۰۰

در جدول شماره ۶ شیوه همسرگزینی در دویتهای مورد بررسی استانهای بوشهر، هرمزگان و خوزستان ارائه شده است. در ۷۷/۵ درصد از دویتهای مورد بررسی استان بوشهر شیوه همسرگزینی «آزاد» و در ۲۲/۵ درصد «نامعلوم» بوده است. در ۴۹/۵ درصد از دویتهای مورد بررسی استان هرمزگان شیوه همسرگزینی «آزاد»، در ۱/۵ درصد «در اختیار خانواده» و در ۴۹ درصد «نامعلوم» بوده است.

در ۶۱/۲ درصد دویتهای مورد بررسی استان خوزستان شیوه همسرگزینی «آزاد» در ۹/۷ درصد «در اختیار خانواده» و در ۲۹/۱ درصد «نامعلوم» بوده است.



انواع خویشاوندی در دویتهای مورد بررسی استانهای بوشهر، هرمزگان و خوزستان عمدتاً «نامعلوم» بوده است. در ۱۲/۵ درصد از دویتهای مورد بررسی استان بوشهر و در ۳۳/۳ درصد از دویتهای مورد بررسی استان هرمزگان و در ۱۵/۸ درصد از دویتهای مورد بررسی استان خوزستان خویشاوندی از نوع «نسبی» بوده است. در ۲/۲ درصد از دویتهای استان هرمزگان و در ۳ درصد از دویتهای استان خوزستان خویشاوندی از نوع «سببی» بوده است. (جدول شماره ۷)

معیار انتخاب همسر ۷۷/۵ درصد از دویتهای مورد بررسی استان بوشهر و در ۵۶ درصد از دویتهای مورد بررسی استان هرمزگان و در ۵/۷ درصد از دویتهای استان خوزستان «احساس (عشق)»، و در ۲۲/۵ درصد، در ۴۲/۵ درصد و ۳۳/۳ درصد از دویتهای استانهای بوشهر، هرمزگان و خوزستان معیار انتخاب همسر «نامعلوم» بوده است. تنها در ۱/۵ درصد از دویتهای مورد بررسی استان هرمزگان و ۹/۷ درصد از دویتهای مورد بررسی استان خوزستان معیار انتخاب همسر «منطق» بوده است. (جدول شماره ۸)

جدول شماره ۶: شیوه همسرگزینی در دویتهای مورد بررسی استانهای بوشهر، هرمزگان

و خوزستان

استان	شیوه همسرگزینی	آزاد	در اختیار خانواده	نامعلوم	جمع
بوشهر	۷۷/۵	۰	۲۲/۵	۱۰۰	
هرمزگان	۴۹/۵	۱/۵	۴۹	۱۰۰	
خوزستان	۶۱/۲	۹/۷	۲۹/۱	۱۰۰	



جدول شماره ۷: انواع خویشاوندی در دوبیتی های مورد بررسی استانهای بوشهر، هرمزگان

و خوزستان

استان	انواع خویشاوندی	نسبی (خونی)	سببی	رضاعی	فرزندخواندگی	نامعلوم	جمع
بوشهر	۱۲/۵	۰	۰	۰	۰	۸۷/۵	۱۰۰
هرمزگان	۳/۳	۲/۲	۰	۰	۰	۹۴/۵	۱۰۰
خوزستان	۱۵/۸	۳	۰	۰	۰	۸۱/۲	۱۰۰

جدول شماره ۸: سایر انتخاب همسر در دوبیتی های مورد بررسی استانهای بوشهر، هرمزگان

و خوزستان

استان	معیار انتخاب همسر	منطق	احساس	نامعلوم	جمع
بوشهر	۰	۷۷/۵	۲۲/۵	۱۰۰	
هرمزگان	۱/۵	۵۶	۴۲/۵	۱۰۰	
خوزستان	۹/۷	۵۷	۳۳/۳	۱۰۰	

تحلیل یافته ها

همان طور که ملاحظه شد عمده ترین موضوع دوبیتی های مورد بررسی کرانه نشینان خلیج فارس «اظهار عشق و اشتیاق» (۲۲/۵ درصد در بوشهر، ۱۸/۸ درصد در خوزستان و ۲۹/۷ درصد در استان خوزستان) بوده است.

«نقش گوینده در خانواده» در ۱۰۰ درصد دوبیتی های مورد بررسی استان بوشهر، ۸۵/۳ درصد دوبیتی های استان هرمزگان و ۵۵/۲ درصد از دوبیتی های مورد بررسی استان خوزستان «نامعلوم» بوده است و «نقش مخاطب در خانواده» در ۱۰۰ درصد دوبیتی های مورد بررسی استان بوشهر، در ۹۶ درصد دوبیتی های مورد بررسی استان هرمزگان و در ۶۵/۵ درصد از دوبیتی های مورد بررسی استان خوزستان «نامعلوم» بوده است.



ولیکن مقایسه درصدها نشان می‌دهد که «نقش گوینده در خانواده» در دویته‌های مورد بررسی استانهای هرمزگان (۳/۳ درصد در مقابل ۱/۴ درصد) و خوزستان (۳۰/۳ درصد در مقابل ۱۴/۵ درصد) عمدتاً «نقش ابزاری» و نشانگر هویت جنسی (مردانه) بوده است. در خصوص «نقش مخاطب در خانواده» در دویته‌های مورد بررسی استان خوزستان (۷/۳ درصد در مقابل ۲۷/۳ درصد) و (۳/۷ درصد در مقابل ۰/۴ درصد) عمدتاً «نقش بیانگر» و نشانگر هویت جنسی (زنانه) بوده است. در خصوص «هویت خانوادگی» یافته‌های مربوط به «شیوه‌های همسرگزینی»، «انواع خویشاوندی» و «معیار انتخاب همسر» تحلیل شده‌اند و نشان داده‌اند که: در دویته‌های مورد بررسی استانهای بوشهر (۷۷/۵ درصد)، هرمزگان (۴۹/۵ درصد) و خوزستان (۶۱/۲ درصد) شیوه همسرگزینی عمدتاً «آزاد» بوده است. انواع خویشاوندی در دویته‌های مورد بررسی استانهای بوشهر، هرمزگان و خوزستان عمدتاً «نامعلوم» بوده است و «معیار انتخاب همسر» در دویته‌های مورد بررسی استانهای بوشهر (۷۷/۵ درصد)، هرمزگان (۵۶ درصد) و خوزستان (۵۷ درصد) «احساس (عشق)» بوده است و ازدواج بر اساس نوعی برخورد دراماتیک مبتنی بر عشق و علاقه صورت گرفته است و بندرت معیار منطق (مایملک و تبار) اساس ازدواج بوده است.

نتیجه‌گیری

وجود مضامین مشترک در دویته‌های کرانه‌نشینان خلیج فارس در خصوص «هویت جنسیتی» و «هویت خانوادگی» نشانگر همگرایی و تعامل فرهنگی میان مردمان استانهای مختلف بوشهر، هرمزگان و خوزستان بوده است و علی‌رغم تفاوت در قلمرو جغرافیایی شاهد نوعی انسجام در مضامین فرهنگی هستیم.

منابع

- اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.



- توکلی، نیره، نامه انسان‌شناسی: هویت جنسیتی با نگاهی بر ادبیات ایرانی، دوره اول، شماره ۳، ۱۳۸۲.
- ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۹.
- سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، نشر مرکز.
- عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- محمدی، بیوک، فرهنگ، کتاب نهم: الگوهای فرهنگی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، شماره ۶۴۲، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- میشل، آندره، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، مترجم فرنگیس اردلان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.